

دنیای مذموم در اندیشه ابوالعناهیة با استناد به آموزه‌های دینی

محمد شفیعی

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد گچساران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۶/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۶/۲۵

چکیده

دنیا یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که ابوالعناهیة شاعر بزرگ زهدسرای عصر عباسی به تبیین ماهیت آن براساس آموزه‌های دینی پرداخته است. در نگاه ایشان، دنیا، مجموعه‌ای گذرا، متغیر، فریبنده، ناپایدار، خیانت پیشه، سرشار از رنج و گرفتاری و غم و اندوه می‌باشد. همچنین برای فهم بهتر، آن را به سایه، سراب و امور بی‌ارزش و خطرناک تشبیه نموده است. در صورتی که انسان بتواند فهم درستی از دنیا داشته باشد و تقوای الهی پیشه کند و بتواند از روزگار عبرت بگیرد می‌تواند به خیر و سعادت هر دو سرا نائل آید، و بر خود لازم می‌داند که بهترین توشه را همراه خود بردارد و آماده رفتن به سرای باقی باشد و مغلوب زرق و برق زندگی زودگذر و فانی نخواهد شد.

واژه‌های کلیدی: ابوالعناهیة، دنیا، فنا، فریب، زودگذر.

مقدمه

آموزه‌های دینی دنیا را به شدت سرزنش کرده و از آن به عنوان زندگی فانی و سرای فریب یاد کرده است، از طرف دیگر آسمان و زمین و کوه و دریا و نبات و حیوان و انسان را با همه نظام‌ها و حرکت‌هایی که دارند باطل نمی‌شمارد، بلکه برعکس، این نظام را نظام راستین و حق می‌داند و خدای متعال به موجودات و مخلوقات عالم از جماد و نبات و حیوان گرفته تا خورشید و ماه و شب و روز سوگند یاد کرده و این نشان‌دهنده اعتباری است که خدا برای آن‌ها قائل است. آن چیزی که از آموزه‌های دینی به دست می‌آید این نیست که اساساً علاقه و محبت به

کائنات بد است و راه چاره هم این نیست که علایق و محبت‌ها را باید سرکوب کرد، بلکه آنچه از نظر اسلام زشت و ناپسند است وابستگی و دلبستگی به دنیا و راضی شدن به آن و فراموش کردن آخرت است.

یکی از شالوده‌های فکری ابوالعناهیة که از اشعارش به خوبی پیداست مذمت و نکوهش و تحقیر دنیا و هر آنچه که در آن است، می‌باشد. در نظر او دنیا مجموعه‌ای از امور فریبنده، ناپایدار، سرشار از مکر و خدعه، لبریز از رنج و نومیدی است. گاه ممکن است به انسان روی خوش نشان دهد و اسباب راحتی و نعمت را فراهم آورد ولی دیری نمی‌پاید که او را روانه گور می‌کند.

دنیا محل عبور و معبر انسان است و با همه زیبایی که دارد زودگذر و فانی است. این اندیشه در قصائد ابوالعناهیة بسیار پررنگ و چشمگیر است و به اشعار او رنگ و بویی زاهدانه بخشیده است. ابوالعناهیة دریافتن تعبیر تحقیرآمیز و مذمت‌باری که برای دنیا به کار برده است فراوان از آیات قرآن و احادیث بهره برده است. و در بسیاری از اوقات لفظ و معنا را با هم اقتباس نموده و در پاره‌ای اوقات تنها معنا را اقتباس کرده و لفظ را تغییر داده است. (امیری، ۱۳۸۵، ص ۷۶)

ابوالعناهیة

ابوالعناهیة اسماعیل بن قاسم بن سوید از موالی بنی‌عنزه در سال ۱۳۰ هجری در عین‌التمر از توابع کوفه به دنیا آمد. (اصفهانی، ۱۴۲۳، ج ۴ ص ۶)

پدر و مادرش اشتهاری نداشتند، پدرش حجام بود و او و برادرش زید در دکان کوچکی سفال فروشی می‌کردند، او در کوفه پرورش یافت. به لهو و لعب و خود آرایی و عیاشی سخت مشتاق بود و به هرزگان و لایبالیان همدم و همدل، چون شعرش رنگ و رونقی یافت هوای دربار خلفا در سرش افتاد و از کوفه راهی بغداد شد. در زمان خلافت مهدی (۱۵۹-۱۶۹) به بغداد آمد و در زمره مقربان خلیفه درآمد. چنانکه رفیق او گردید و در مدایح او به قصائد پرداخت و صلوات فراوان دریافت کرد. (الفخوری، ص ۲۱۷)

شاعر در سال ۱۸۰ هـ از غزل‌سرایی و مدح‌اعراض کرد و جز موارد اندکی به سرودن زهدیات و وعظ و اندرز و ذکر مرگ و هول و هراس آن مشغول شد. او در سال ۲۱۰ در بغداد وفات یافت. (اصفهانی، ۱۴۲۳، ج ۴ ص ۳۵)

مضامین اشعار ابوالعناهیة حول موضوعاتی از قبیل مرگ، بی‌وفایی و بی‌ارزش بودن دنیا تقوی، پرهیزگاری، دعوت به احساس و نیکوکاری و فضائل اخلاقی همچون قناعت، مناعت طبع عفت و پاکدامنی دور می‌زند که در آن از قرآن و احادیث رسول اکرم (ص) و گفتار امام علی (ع) و پند و اعظان بهره‌ها برده است. (محمد علیان، ۱۴۱ ص ۳۷)

دنیای ممدوح

در جهان بینی اسلامی آفرینش موجودات بر مبنای حکمت و مصلحت و غایت شکل گرفته که جز حق محض و عدل محض نیست.

همچنین جهان بینی اسلامی بر توحید ناب استوار است و بدگمانی نسبت به مخلوقات الهی صحیح نیست. بنابراین منطق دین، در نکوهش دنیا هرگز متوجه جهان آفرینش نیست. (مطهری، ۱۳۸۰، ص ۲۷۶)

از برای انسان دو دنیا است: یکی ممدوح و یکی مذموم، آنچه ممدوح است حصول در این نشئه که دار التربیه و دارالتحصیل و محل تجارت مقامات و اکتسابات کمالیه و تهیة زندگی سعادت‌مندان است که بدون ورود به اینجا امکان پذیر نیست. (موسوی خمینی، ۱۳۸۰، ص ۱۲)

”در آنچه خدا به تو داده، سرای آخرت را بطلب و بهره‌ات را از دنیا فراموش نکن.“ (قصص، ۷۷)

در این آیه خداوند افراد را به کسب مادیات و تحصیل مواهب دنیوی تشویق نموده و به فراموش نکردن آخرت فرمان داده است.

ابوالعناهیة می گوید هرگاه دین و دنیا با هم در فردی جمع شوند چقدر خوب و نیکو است و کفر و ناسپاسی و فقر چقدر زشت است. هرگاه کسی خدا را اطاعت کند و دنیا به او روی آورد دنیا خوب خواهد بود. و اشاره می کند که روزگار را مذمت نمی کنم بلکه مردم روزگار را مذمت می کنم زیرا دنیا فی نفسه از مخلوقات الهی است و خداوند چیز بد نمی آفریند و این مردم هستند که نوع نگرش آن‌ها به دنیا باعث می شود که آن‌ها را سرزنش نمایم.

ما احسن الدین و الدنيا اذا اجتماعا و اقبیح الكفر و الافلاس بالرجل

(ابوالعناهیة، ۲۵۶)

ما احسن الدنيا و اقبالها اذا اطاع الله من نالها

(ابوالعناهیة، ۲۸۳)

یا خلیلی لا اذم زمانی غیر انی اذم اهل زمانی

(ابوالعناهیة، ۳۱۷)

نکوهش دنیا

ابوالعناهیة به نکوهش دنیا و ناپایداری آن می پردازد. از دیدگاه او دنیا باید مذمت و نکوهش شود زیرا آنچه را که خداوند مذموم دانسته نباید ستایش نمود و بدان دل بست.

به همین سبب در سراسر دیوان چون فرصتی یافته دست از نکوهش دنیا و دنیا پرستان برداشته است.

اف للدنيا فليست هي بدار نما الراحة في دار القرار
 انا الدنيا غروركلها مثل لمع الال في الارض القفار

(ابوالعتاهيه، ۱۴۳)

اف بر دنیا زیرا خانه ماندن نیست و راحتی و آسایش در خانه جاودان می‌باشد که بهشت است. دنیا سراسر فریبنده است و مانند سرابی است که در سرزمین خشک به نظر می‌رسد.

دنیا عبورگاه و آخرت قرارگاه

دنیا قرارگاه نیست بلکه گذرگاه است و هر گذرگاهی به قرارگاهی پایان می‌پذیرد، دنیا پویا و متحول است و سرانجام ثبات و آرامش می‌طلبد و به تعبیر دیگر دنیا همچون یک کشتی متحرکی است که باید در جایی لنگر اندازد، از دیدگاه قرآن لنگرگاه این کشتی پرجوش و خروش قیامت است. (جوادی آملی، ۱۳۸۲، ۴۴ ص ۸۸).

”زندگی دنیا متاع اندک و ناچیز است و آخرت سرای قرار و ثبات است.“ (مؤمن، ۳۹)

امام علی (ع) می‌فرماید: دنیا گذرگاه و معبر و آخرت قرارگاه و مقر است پس از گذرگاهتان توشه‌ای برای قرارگاهتان بردارید (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۳).

ابوالعتاهیه با الهام از آموزه‌های دینی دنیا را خانه جاودان نمی‌داند و آن را خانه گذرا می‌داند و آن را خانه‌ای می‌داند که پایانش مرگ است. و به این دنیا بد می‌گوید زیرا راحتی و آسایش در آن نیست و آسایش و راحتی در سرای آخرت است. دنیایی که تا در آن اقامت داریم کسی در آن قرار و آرامش ندارد و هر قدر هم عمر نماییم بالاخره باید از دنیا برویم. و می‌گوید هر قدر جستجو نمودم که جایی از دنیا را برای استقرار و اقامت پایدار پیدا کنم، آنجا را نیافتم.

لعمرك ما الدنيا بدار بقاء كفاك بدار الموت دار فناء
 اف للدنيا فليست بدار انما الراحة في دار القرار

(ابوالعتاهيه، ۱۴۳)

ان داراً نحن فيها لدار ليس فيها المقيم قرار

(ابوالعتاهيه، ۱۴۳)

نعمر الدنيا و ما الدن يا لنادار اقامه

(ابوالعتاهيه، ۳۰۵)

طلبت المستقر بكل ارض ارلى بارض مستقرا

(ابوالعتاهيه، ۱۳۴)

متغیر بودن دنیا

دنیا یک روز به کام کسی و روز دیگر بر ضد او می‌گذرد و همواره این تغییر و تبدیل پابرجاست زیرا که دنیا محل تغییر و تبدیل است. گاهی تلخی و بدبختی و گهگاه روزگار خوشی، گاهی گنج، گاه رنج یکی در ناز و نعمت غذاهای متنوع و البسه نرم خز و حریر، دیگری در خشونت و سختی، بی غذا و بی لباس، نیازمند به قرصی نان، همه در مقابل مرگ یکسانند، نه از آن بیم دارد و نه نسبت به این کین. نه این را به سختی می‌برد، نه آن را با خواهش و تمنا. (رنجبر، ۱۳۷۹، ص ۳۳۵).

امام علی (ع) می‌فرماید: تو از اجل خود پیشی نخواهی گرفت، و آنچه روزی تو نیست به تو نخواهد رسید و بدان که روزگار دو روز است، روزی به سود تو روزی به زیان تو، و همانا دنیا خانه دگرگونی‌هاست و آنچه به سود تو است هرچند ناتوان باشی خود را به تو خواهد رساند و آنچه به زیان تو است هرچند توانا باشی دفع آن نخواهی کرد (نهج البلاغه، نامه ۷۲).

ابوالعاهیه می‌گوید سختی‌های زندگی را بر خود آسان بگیر و به خودت سختی راه نده زیرا برای رفع آن سختی گشایشی وجود دارد. خداوند کریم به فرد احمق روزی فراوان می‌رساند و می‌بینی که انسان عاقل زندگی را به مشقت سپری می‌کند. روزگار برای هر فردی یکسان نیست روزی در تنگنا و مشقت و روزی هم در شادی و رفاه و خوشی است.

هون علیک مضایق ال
لاتضجرن لضیقهِه
دنیاً تعد سبلاً فجاجا
یوماً فان لها انفراجاً

(ابوالعاهیه، ۹۲)

یرزق الاحمق رزقاً واسعاً
و ما الدهر یوماً واحداً فی اختلافه
و تری ذاللب معسوراً بکد
و ما کل ایام الفتی بسواء
و ما هو الا یوم بوس و شیده
و یوم سرور مره و رخاء

(ابوالعاهیه، ۱۸)

سرای فریب

خداوند می‌فرماید: "ای مردم، از خدایتان بترسید و از روزی بیمناک باشید که در آن هیچ پدری به جای فرزندش مورد بازخواست نمی‌گیرد و هیچ فرزندی نیز در بازخواست، پدرش جای او را نتواند گرفت و کارساز پدر نتواند شد. همانا وعده خدا، حق و حتمی است. و زندگی دنیا شما را فریب ندهد و شیطان فریبگر در کار خدا شما را نفریبد." (لقمان، ۳۳)

ارتباط میان صدر و ذیل آیه، به خوبی نمایانگر ماهیت فریبنده و اغفال‌کننده دنیا و مظاهر پر

زرق و برق و خوشی‌های کاذب آن است. به همین سبب ضروری است انسان تا می‌تواند خویشتن را از جاذبه‌های خطرناک و گناه آلود دنیا دور سازد و در بهره‌وری از لذت‌های مشروع آن نیز میانه‌روی پیش گیرد و پیوسته متوجه فریبندگی و گذرا بودن نعمت‌های دنیا باشد. (جلالی، ۱۳۸۲، ص ۵۲)

”و زندگی دنیا جز مایه فریب نیست.“ (آل عمران، ۱۸۵)

امام علی (ع): دنیا فریبی است از میان رفتنی و سرابی زایل شدنی و تکیه گاهی نا استوار است. (نهج البلاغه خطبه، ۸۳)

ابوالعتاهیه می‌گوید اف بر دنیا زیرا که خانه دائمی نیست و خانه راحتی در آخرت است دنیا سراسر فریب است مانند سرابی در بیابان خشک سراسر فریب است. دنیا بی ارزش و همه چیز آن فریبده است. نباید فریب دنیا را خورد زیرا ماهیت دنیا فریبندگی است.

انما الدنيا فليست بدار	انما الراحة في دار القرار
انما الدنيا غرور كلهها	مثل لمع الآمال في الارض القفار

(ابوالعتاهیه، ۱۴۳)

الم تر انما الدنيا حطام	و ان جميع ما فيها غرور
-------------------------	------------------------

(ابوالعتاهیه، ۱۴۵)

فلاتغتر بالدنيا	فان جميعها غرور
-----------------	-----------------

(ابوالعتاهیه، ۱۵۰)

تغتر للجهل بالدنيا و زخرفها	ان الشقى لمن غرته دنياه
-----------------------------	-------------------------

(ابوالعتاهیه، ۳۵۲)

دنیا خانه گرفتاری است

امام علی (ع) می‌فرماید: دنیا سرای گرفتاری است و آدمی هرگز در آن ساعتی آسوده نیست، مگر آنکه آن ساعت در روز قیامت موجب حزن و اندوه اوست (نهج البلاغه، نامه ۵۹). پیامبر (ص) می‌فرماید: ای مردم این دنیا سرای حزن و اندوه است و نه جایگاه سرور و شادمانی و دار فنا و نابودی است نه جای ماندن و جاودانگی (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۸، ص ۲۲). ابوالعتاهیه هم با تأثیرپذیری که از آموزه‌های دینی دارد، دنیا را خانه گرفتاری و بدبختی و رنج و سختی می‌داند و اگر کسی هم به خوشی می‌رسد جز با تحمل رنج و سختی و گرفتاری به آن نخواهد رسید و ماهیت آن به گونه‌ای است که پر از سختی و محنت و بلا است و هیچ کس از گرفتاری و سختی در امان نیست.

نحن فی دار بلاء و اذی	وشقاء و عناء و عنت
	(ابوالعاهیه، ۶۵)
ما رأیت العیش یصفو لاحد	دون کد و عناء و نکد
	(ابوالعاهیه، ۱۰۵)
هی الدار دار الادی و القذی	و دار الفناء و دار الغیر
	(ابوالعاهیه، ۱۴۷)
ما زالت الدنیا منغصه	لم یخل صاحبها من البلوی
دار الفجائع و الهموم و دا	رالبوس والاحزان والشکوی
	(ابوالعاهیه، ۲۷۵)
طلبک یا دنیا فاعذرت فی الطلب	فمانلت الا الهم و الغم و النصب
	(ابوالعاهیه، ۵۱)

علت این که در دنیا محنت و بلا و گرفتاری و سختی زیاد می‌باشد این است که نجات و گشایش الهی آنگاه فرا می‌رسد که در اوج محنت‌ها، خالصانه از خداوند استمداد شود. زیرا بندگان خدا به هنگام سختی‌ها به هنگام اقتضای هدایت فطری رو به سوی خدا می‌کنند و از او استمداد می‌جویند و به هنگام وسعت و شادمانی از یاد خدا غافل می‌شوند و به جای شکر نعمت ناسپاسی می‌کند.

رنج و گنج آزمونی الهی

خدای سبحان، برخی را با رفاه و بعضی را با رنج می‌آزماید، چنانکه خداوند می‌فرماید: ”ما انسان‌ها را با خوشی و ناخوشی می‌آزماییم“ (اعراف، ۱۶۸). همچنین می‌فرماید: ”ما شما را به شر و خیر می‌آزماییم.“ (انبیاء، ۳۵)

خداوند هیچ نعمتی را رایگان و بی‌امتحان نمی‌دهد، از نظر قرآن کریم هیچ فرقی بین افراد ثروتمند یا بی‌بضاعت، و فرد سالم یا مریض نیست، چون مبتلا شده به سلامتی و تمکن باید شاکر باشد و مریض و فقیر، صابر و خطر ناشکری کمتر از خطر بی‌صابری نیست. اگر انسان بداند که هر حادثه‌ای در زمین رخ می‌دهد، قبلاً در کتاب کل، تدوین و تنظیم شده است، بر آنچه که از دست می‌دهد، غمگین نمی‌شود و بر آنچه که به دست می‌آورد به وجد نمی‌آید. این بینش انسان را راحت می‌کند، زیرا می‌داند که هر روز، رنگی از روزگار ظهور می‌کند که گاهی به دست او و زمانی به دست دیگران می‌رسد و هر دو آزمون است (رحیمیان محقق، ۱۳۸۹، ص ۵۴-۵۵).

ابوالعناهیة هم سختی و رفاه را برای انسان آزمون الهی معرفی می‌کند و می‌گوید:
روزگار برای انسان بر یک حالت نیست گاهی اوقات زندگی بر انسان سخت است و گاهی دیگر زندگی برای انسان راحت است و کار دنیا پیوسته چنین است. اینکه انسان در دنیا در سلامتی یا در بیماری بسر می‌برد این یک فرمان الهی است که در زمین جریان دارد. چرا انسان در دنیا فریفته می‌شود در حالی که می‌داند گاهی اوقات از نعمتی بهره‌مند می‌شود و گاهی اوقات محروم می‌گردد.

لیس کل الدهر يوماً واحداً انما ضاق الفتی ثم اتسع

(ابوالعناهیة، ۱۹۷)

و مازالت الدنيا تقلب اهلها فتجعل ذاغناً و ذاک ثمیناً

(ابوالعناهیة، ۳۲۴)

اری الناس فی الدنيا معافی و مبتلی و مازال حکم الله فی الارض مرسلأ

(ابوالعناهیة، ۲۶۱)

اگر انسان به آزمون الهی باور داشته باشد رنج و گنج و خوشی و ناخوشی و سلامتی و بیماری در نزد او تفاوتی نخواهد داشت و نسبت به هر دو وضعیت صبر یا شکرگذاری را وظیفه خود خواهد دانست. زیرا هر لحظه در معرض امتحان می‌باشد.

در دنیا انباردار دیگران مباش

در آموزه‌هایی دینی استفاده و بهره‌وری از نعمت‌های الهی امری مطلوب است، اما تعلق و دلبستگی به دنیا امری مذموم و نکوهیده است. همان گونه که انسان باید در زندگی دنیوی برای رفاه و آسایش خود و خانواده‌اش تلاش کند، لازم است که از توجه به آخرت هم غفلت نکند که در صورت بی توجهی به آخرت اموال انسان برای او در آخرت وبال خواهد شد و از اموال به جای مانده از او که با سختی و رنج آن‌ها را فراهم کرده وارثان او از آن بهره می‌برند و در روز قیامت هم اموال و اولاد سودی برای انسان نخواهد داشت. بنابراین لازم است از اموال دنیا ذخیره‌ای برای آخرت فراهم کرد.

امام علی (ع): نهایت کوشش را در زندگی داشته باش و در فکر ذخیره‌سازی برای دیگران

مباش. (نهج البلاغه، نامه ۳۱)

ابوالعناهیة می‌گوید: ای کسی که در دنیا به فکر جمع‌آوری اموال دنیا هستی با توجه به این که خواهی مرد این اموال را برای چه کسی جمع‌آوری می‌کنی؟ و خطاب می‌کند: ای کسی که در دنیا برای وراثت خود مال جمع‌آوری می‌کنی می‌دانی که بعد از مرگ از این اموال بهره نخواهی برد؟ ای کسی که در دنیا به جمع‌آوری مشغول هستی برای چه کسی خود را به زحمت می‌اندازی و خانه‌هایی را بنا می‌کنی در حالیکه در آن سکونت نخواهی کرد.

- ایا جامع الدنيا لغير بلاغـه لمن تجمع الدنيا و انت تموت
(ابوالعناهیة، ۸۳)
- یا جامع المال فی الدنيا لوارثه هل انت بعد الموت تنتفع
(ابوالعناهیة، ۲۰۲)
- ایا جامعی الدنيا لمن تجمعونها و تبنون فیها الدور لاتسكنونها
(ابوالعناهیة، ۳۳۸۳)

البته منظور این نیست که انسان به فکر وارثان خویش نباشد بلکه منظور این است که از اموال دنیا که داری برای ذخیره آخرت خودت در راه‌های خیر استفاده کنی و همه را برای وارثان ذخیره نسازی.

دنیا موجب طغیان آدمی است

اگر انسان دلبستگی به دنیا داشته باشد و نسبت به آن علاقه زیادی نشان دهد او را هلاک می‌کند زیرا خود را غرق زر و زیور دنیا می‌بیند و احساس بی‌نیازی می‌کند و خدا را فراموش می‌کند و هر که خدا را فراموش کرد خدا هم او را فراموش کرده و در نتیجه هلاک می‌شود.
”انسان یقیناً طغیان می‌کند، از این که خود را بی‌نیاز ببیند.“ (علق، ۶-۷)

ابوالعناهیة می‌گوید:

آنچه که موجب هلاک آدمی است عشق و دلبستگی به دنیا می‌باشد و انسان هر موقع که در خوشی‌ها فرو رفت احساس بی‌نیازی کرده و سرکشی می‌کند.

المرء آفته هوی الدنيا والمرء یطغی كلما استغنی

(ابوالعناهیة، ۲۷)

اگر انسان ظرفیت نداشته باشد یا ثروت او را مغرور می‌کند یا قدرت او را مغرور می‌کند یا علم او را مغرور می‌کند. طغیانگر نه خدا را بنده است نه دستورات الهی را به رسمیت می‌شناسد، نه استقلال می‌پذیرد و نه به ندای وجدان و ناله مظلومان گوش می‌دهد. انسان به‌خاطر آن که به غلط خود را بی‌نیاز می‌پندارد دست به طغیان می‌زند. انسان کم ظرفیت است و پندار بی‌نیازی او را مست می‌کند (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۱۰، ص ۵۳۷).

عبرت از گذشتگان

در آموزه‌های دینی عبرت از گذشته و گذشتگان مورد توجه قرار گرفته و مطالعه دانستن جزئیات تاریخی اثر زیادی در روح انسان می‌بخشد. نتیجه اولیه این است که آدمی ماهیت زندگی دنیا را بهتر می‌شناسد و پی می‌برد که این خوشی‌ها و قوت‌ها و نیروها و سلطنت‌ها و

حکومت‌ها و کاخ‌ها همگی زایل و ویران شده‌اند و صاحبان آن‌ها مرده‌اند و ما نیز بدون استثناء به این نقطه خواهیم رسید و روزی از این دنیا رخت بر می‌بندیم و در یک کلام درمی‌یابیم که دنیا محل گذر است و جای اقامت نیست (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ص ۷۶).

انسان هر روز، شاهد پیروزی گروهی و شکست گروه دیگر است، کسی را از مسند قدرت به زیر می‌کشد و دیگری را بر آن مسند می‌نشاند و بسا محکومان دیروز که حاکمان امروزند و صاحبان قدرت دیروز که در بند کشیدگان امروزند. این تغییر و تبدیل، درس بزرگی است تا انسان فریفته نشود (رحیمیان محقق، ۱۳۸۹، ص ۳۹).

امام علی (ع): از گذشته دنیا برای آینده‌اش عبرت بگیرد، زیرا همه اجزای آن، شبیه یکدیگرند و انجام آن به آغازش می‌پیوندد و تماماً دگرگون می‌شوند و از کف رفتنی است. (نهج البلاغه، خطبه ۷۹)

امام علی (ع): کجایند آنان که تا دور دستهای زمین پادشاهی می‌کردند. (آمدی، ۱۳۶۰، ج ۱۱ ص ۲۸)

ابوالعناهیة عبرت از گذشتگان را مورد توجه قرار داده و می‌گوید پادشاهان و فرزندان آن‌ها در زیر خاک پوسیده شدند چه بسیار پدران زیادی در زیر طبقه‌های خاک زمین مدفون شده‌اند. و دقت کن که نمرود و فرزندش و قارون و هامان که صاحب قدرت بودند کجا هستند؟ یاد آن گذشتگان برای ما پند و عبرت است.

این الملوک بنوالملوک فکلهم
کم من اب و ابی اب لک تحت اط
امسی و اصبح فی التراب رفاتا
طباق الثری قدقیل کان فماتا
(ابوالعناهیة، ۷۲۳)

این نمرود وابنه این قارون
ان فی ذکر هم لنااعتباراً
و هامان این ذوالا و تاد
و دلیلاً علی سبیل الرشاد
(ابوالعناهیة، ۱۰۹)

اصبحت الدنیا لناعبره
و الحمدالله علی ذلک
(ابوالعناهیة، ۲۳۶)

انسان اگر اندیشه و تفکر کند و از احوال گذشتگان که بر اریکه قدرت بودند و از نظر قدرت از امکانات زیادی برخوردار بودند اما اکنون از آن‌ها خبری نیست و در زیر خاک پنهان شده و پوسیده‌اند می‌تواند بهترین درس‌ها و پندها را بگیرد که سرانجام انسان در هر رتبه و مقامی که باشد حتی پیامبران و امامان (ع) بالاخره روزی دنیا را ترک خواهد نمود و جداشدن از دنیا نوبت تو هم خواهد رسید پس خود را برای رفتن آماده کن.

تقوای الهی و نیکی کردن در دنیا

آنچه که دنیا و آخرت انسان را آباد و سعادت دو جهان را نصیب انسان می‌گرداند داشتن تقوای الهی و انجام دادن کارهای نیک می‌باشد که بهترین توشه برای زندگی اخروی می‌باشد. ”برای کسانی که نیکی کنند پاداش نیکو و افزونی است و چهره‌شان را دود سیاه فرا نگیرد و غبار ذلت نپوشاند، ایشان بهشتیانند که در آن جاویدانند.“ (یونس، ۲۶)

”در قیامت به کسانی که در دنیا پرهیز کاری کردند گویند، پروردگار شما، بر شما چه نازل کرده است گویند: خیر و نیکی، برای کسانی که در این دنیا نیکی کردند پاداش نیکوست و البته زندگی آخرت بهتر است و سرای پرهیز کاران چه نیکوست.“ (نمل، ۳۰)

ابوالعناهیة برخوردار از تقوای الهی و احسان و نیکی کردن به دیگران را موجب سربلندی انسان در دنیا و آخرت می‌داند و اشاره می‌کند که در دنیا تقوی را به عنوان زاد و توشه انتخاب کن زیرا دنیا در حال نابود شدن می‌باشد. و بهترین چیزی که لازم است انسان به آن تمسک بجوید نیکی کردن به دیگران است و بدی کردن به دیگران هم خبیث‌ترین چیزها می‌باشد. مردم باید بدانند که تقوی و نیکی بهترین ذخیره برای معاد می‌باشد. و زندگی خوب و پاکیزه در گرو داشتن تقوی می‌باشد.

فاحی ذکرک بالاحسان تفعله	یکن کذلک فی الدنیا حیاتان
	(ابوالعناهیة، ۳۱۶)
تزود من الدنیا التقی و النهی فقد	تنکرت الدنیا و حان انقضاءها
	(ابوالعناهیة، ۲۱)
الخیرافضل مالزمتما	والشر اخبث ما طمعتا
	(ابوالعناهیة، ۷۰)
لیعلمن الناس ان التقی	والبر کاناخیر ما یذخر
	(ابوالعناهیة، ۱۴۱)
و اذا اتقی الله الفتی و اطاعه	فهناک یصفو عیشه و یطیب
	(ابوالعناهیة، ۴۳)

بهترین کار در دنیا برای رسیدن به سعادت داشتن تقوای الهی و نیکی کردن به دیگران می‌باشد بنابراین اگر کسی در دنیا دنبال احسان کردن به دیگران باشد و ملازم تقوی باشد این دنیا ممدوح است و مذموم نیست.

پرهیزکاران در دنیا بصیرت دارند

کسانی که تقوی را به دست آوردند دائماً در بیداری به سر می‌برند زیرا ماهیت دنیا را درک می‌کنند و نسبت به ناپایداری دنیا واقف هستند و هر که دارای تقوی نباشد مانند شخصی است

که در خواب است و در غفلت بسر می‌برد و انسان با تقوی در این دنیا هم سود می‌برد. ابوالعاهیه می‌گوید کسانی که تقوای الهی پیشه می‌کنند دائماً در بیداری به سر می‌برند و غافل نمی‌شوند و طبیعت و ماهیت دنیا را درک می‌کنند و هر که اهل تقوی نباشد مانند شخص غافل می‌ماند که ماهیت دنیا را درک نمی‌کند و فریب دنیا را می‌خورد.

إنّ الالی طلبوا التقی یتیقظون و انت نمتما

(ابوالعاهیه، ۷۰)

و اذا اتقیت الله فی کل الامور، فقد غنمتما

(ابوالعاهیه، ۷۱)

عدم دل بستگی به دنیا

کسی که دنیا را آن چنان که هست نشناخت، طوری به دنیا و زندگی دنیا مشغول می‌شود که گویا هدف اصلی آفرینش همین بوده و حساب و کتاب و زندگی واپسین در کار نیست. در این صورت اسیر و دلباخته مال و منال و فرزند و جاه و مقام شده و زندگی دنیا را محکم گرفته و بدان شدیداً دلبسته و زندگی اخروی و خدا را فراموش خواهد کرد و از ارزش‌های معنوی چشم پوشیده و تأمین خواسته‌های حیوانی و حداکثر بهره‌گیری از لذات دنیوی را وجهه همت خویش قرار داده چنین فردی اهل دنیا و وابسته و دلبسته به دنیا است که در آموزه‌های دینی این دل بستگی مورد مذمت واقع شده است.

پیامبر اکرم (ص): به دنیا دل می‌بندید. (دیلمی همدانی، ۱۴۰۶، ج ۳، ص ۵۸۶)

امام زین العابدین (ع): به آنچه در دنیا است دل میندید. (کلینی، ۱۴۰۱، ج ۸، ص ۱۵)

ابوالعاهیه هم می‌گوید: هرگاه دنیا با لذت‌های زودگذر خویش ما را سحر کند در این صورت به دنیا وابستگی پیدا می‌کنیم و اشاره می‌کند که ای بنی آدم گوش کنید اگر به دنیا دل بستگی پیدا نکردید بهره‌مند می‌شوید و سود می‌برید.

رکنا الی الدنیا دار الغرور اذا سحرنا بلذاتها

(ابوالعاهیه، ۸۳)

ایاک عنی یا ابن آدم فاستمع ودع الرکون الی الحیاه تنتفع

(ابوالعاهیه، ۱۹۵)

دنیا خیانت پیشه است

امام علی (ع): از دنیا حذر کنید چرا که خیانتکار، فریبنده، حيله‌گر، عطا کننده و دریغ ورزنده و پوشاننده و برهنه کننده است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۸۳)

ابوالعناهیة می‌گوید: نسبت به خیانت دنیا ایمن مباش زیرا طبیعت دنیا خیانت‌پیشگی است و قبلاً هم به امثال شما خیانت کرده است.

لا تأمن الدنيا علی غدرها کم غدرت من قبل امثالکا

(ابوالعناهیة، ۲۶۳)

دنیا قابل اعتماد نیست و ماهیتش به گونه‌ای است که نسبت به دوستی خود ایمن نیست و به انسان خیانت می‌کند و انسان عاقل هم نباید به چیزی که خیانت پیشه است دلبستگی و علاقه پیدا کند.

دنیا خانه لذت نیست

اگرچه در دنیا لذت‌های زودگذر قابل مشاهده می‌باشد ولی باید توجه داشت که در دنیا لذت دائمی برای کسی وجود نخواهد داشت و اگر لذت زودگذر را هم مشاهده کنیم در واقع با دردها و گرفتاری‌های فراوانی آمیخته است.

امام علی (ع): تندرستی دنیا بیماری است ولذتهایش دردند. (آمدی، ۱۳۶۰، ج ۱۱، ۵۸).

ابوالعناهیة می‌گوید کسی که از عقل برخوردار باشد دنیا را خانه لذت و خوشی نمی‌داند.

خلیلی مالدنیا بدار فکاهه و لادار لذات لمن صح عقله

(ابوالعناهیة، ۲۱۸)

در دنیا سبکبار باشید

امام علی (ع): تخففوا تلحقوا: خویشتن را سبکبار سازید تا به قافله رفتگان ملحق شوید. (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶۶)

ابوالعناهیة هم می‌گوید: دنیا را سبک گیرید و بار گناه را بر خود نکشید تا نجات پیدا کنید و روش درست در نیکوکاری و تقوی است. ای کسی که طالب دنیا می‌باشی و خودت را سنگین بار می‌سازی حال سبکباران در روز قیامت بهتر از سنگین‌باران است.

تخفف من الدنيا لعلک ان تنجو ففی البر والتقوی لک المسلك النهج

(ابوالعناهیة، ۹۲)

یا طالب الدنيا یثقل نفسه ان المخفف غداً لاحسن حالا

(ابوالعناهیة، ۲۶۳۲)

دنیا غمکده است

دنیا خانه‌ای است که غم و اندوه در آن فراوان است و غم و اندوه آن قدر بر آن سایه افکنده است گویی که شادی در آن وجود ندارد و نمی‌توان شادی را به‌طور کامل در دنیا تجربه کرد.

پیامبر (ص): ای مردم این جا سرای غم است نه سرای شادی. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۷، ص ۱۸۷)
ابوالعتهیه هم اشاره می کند که دنیا محل شادی نیست و بعد از شادی آن غم و اندوه وجود دارد و ماهیت و طبیعت روزگار این است که گاهی صاف و گاهی کدر است.

و ماهی الا ترحه بعد فرحه کذلک شرب الدهر یصفو و یکدر
ما زالت الدنيا منغصه لم یخل صاحبها من البلوی

(ابوالعتهیه، ۱۵۲)

دار الفجائع و الهموم و دا رالبوس والاحزان والشکوی

(ابوالعتهیه، ۲۷)

دنیا سرای جدایی

در این دنیا انسان جاودان نیست، و دوستان و عزیزان هم انسان را رها می کنند که فراق آن ها برای انسان سخت است. و چون خانه جدایی است انسان باید خود را برای رفتن آماده کند. امام صادق: ای مردم! این دنیا، سرای فراق و خانه پیچ در پیچ است. نه خانه ای سر راست. فراق عزیزان، داغی است که نمی توان مانعش شد و سوزی است که جلوی آن را نمی توان گرفت. (المازندرانی ج ۱، ص ۲۶۷)

ابوالعتهیه می گوید: از آنجا که در این دنیا جاودان نیستی پس به خاطر گناهی که انجام داده ای توبه کن و به دنیا دلبسته نباش زیرا خانه جاودان نیست. و هیچکس در این دنیا جاودان نیست و دنیا خانه فراق است.

فتب من ذنوب موبقات جنبیتها فما انت فی دنیاک هذی مخلد

(ابوالعتهیه، ۱۲۳)

تجا فی عن الدنيا فایقن انها مفارقه لیست بدارخلود

(ابوالعتهیه، ۱۲۴)

و انا لفی دار الفراق فلن تری بها احداً ما عاش مجتمع الشمل

(ابوالعتهیه، ۱۲۵)

دنیا سرای کوچیدن

امام علی (ع): دنیا منزلگاه کوچیدن است و سرای آرمیدن نیست. (آمدی، ۱۳۶۰، ج ۷، ص ۳۶۶)
ابوالعتهیه اشاره می کند که این دنیا سرای کوچیدن است اگرچه عمر انسان هم طولانی شود سرانجام باید از دنیا کوچ کرد و مرگ در دنیا قطعی است و سفارش می کند قبل از کوچ کردن زاد و توشه را فراهم کن.

- الم تر ان الارض منزل قلعه و ان طال تعمیری علیها و از منت
(ابوالعناهیة، ۷۸)
- الم تر المرء فی دار قلعه الی غیرها و الموت فیها
(ابوالعناهیة، ۲۷۸)
- ایا نفس لاتستوطنی دار قلعه ولکن خذی بالزاد قبل ارتحالك
(ابوالعناهیة، ۲۳۹)

دنیا سرای نابودی

امام علی (ع): دنیا سرایی است که نابودی آن رقم خورده است. (نهج البلاغه، خطبه ۴۵).
ابوالعناهیة هم می‌گوید مرگ کوچ کردن از منزل فانی (دنیا) به سوی خانه‌ای است که جاودان و همیشگی است و غفلت نکن زیرا دنیا فانی است. مرگ حق است و دنیا سرای نابودی است و هر کس در گرو اعمال خویش است.

- و ما الموت الارحله، غیر انها من المنزل الفانی الی المنزل الباقی
(ابوالعناهیة، ۲۲۳)
- لاتغفلن فان الدار فانیه و شربها غصص اوصفوها رنق
(ابوالعناهیة، ۲۲۱)
- الموت حق والدار فانیه و کل نفس تجزی بما کسبت
(ابوالعناهیة، ۶۳)

در دنیا غریب‌وار زندگی کنید

زمانی انسان می‌تواند توجه کامل به آخرت داشته باشد که خود را متعلق به این دنیا نداند و آن را خانه همیشگی برای خود به حساب نیاورد، زیرا اگر آن را خانه دائمی دانست و به آن تعلق پیدا کرد تعلق به دنیا انسان را آخرت باز می‌دارد.

ابن عمر می‌گوید پیامبر خدا (ص) جایی از بدنم را گرفت و فرمود: در دنیا چنان باش که گویی غریبی یا رهگذری، و خویشتن را در زمره خفتگان گورها به‌شمار آور. (الطبرسی، ۱۴۱۸، ص ۵۲۴)

ابوالعناهیة هشدار می‌دهد که ای انسان مگر نمی‌دانی که در این دنیا غریب هستی و رهگذر می‌باشی پس برای چه دنیا را به‌عنوان وطن انتخاب نموده‌ای.

ارک لدنیاک مستوطنا الم تدر انک فیها غریب
(ابوالعناهیة، ۴۹)

در دنیا مثل مهمان باشی

شخص مهمان زمان اقامتش نزد میزبان کوتاه است. انسان هم در دنیا زمان اقامتش مانند مهمان است و باید خودش را برای رفتن آماده سازد. امام علی (ع): بندگان خدا! شما و آرزوهای شما در این دنیا مهمانانی موقت هستید. (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۹)

ابوالعناهیة می گوید از آن جا که انسان ها در این دنیا مهمان هستند و در حال کوچ از دنیا به آخرت می باشند از دنیا برای آخرت باید زاد و توشه آماده کنند. که زاد و توشه آن ها تقوی است. تزودمن الدنیا بزاد من التقی فکل بها ضیف و شیک رحیله
(ابوالعناهیة، ۲۷۸)

در دنیا مثل مسافر باشی

انسان در دوران حیات به سفر می رود و برمی گردد و زمان مسافرت غالباً کوتاه است. اگر کسی خود را در دنیا به سان مسافر ببیند تعلق خاطر به دنیا و لذت های زودگذر آن پیدا نمی کند و هر لحظه خود را آماده سفر به آخرت می داند.

امام علی (ع): مردم دنیا چونان کاروانیانی هستند که هنوز بار نیفکنده ساربان بر آن ها بانگ رحیل می زند و می کوچند. (نهج البلاغه، حکمت ۴۱۵)

ابوالعناهیة هم دنیا را مانند یکی از منازل کاروانیان می داند که به زودی از آن نقل مکان می کنند و مردم پیوسته در این دنیا در سفر به سر می برند و به زودی این سفر دنیا هم به پایان خواهد رسید و مردم دنیا مانند کاروانانی هستند که در جایی استراحت می کنند سپس حرکت می کنند.

فکرت فی الدنیا فکانت منزلاً عندی کبعض منازل الرکبان

(ابوالعناهیة، ۹۲)

الناس فی هذه الدنیا علی سفر و عن قریب بهم ماینقضی السفر

(ابوالعناهیة، ۱۴۲)

فهم الرکب اصابوا مناخاً فاستراحوا ساعه ثم ساروا

(ابوالعناهیة، ۱۴۳)

دنیا مثل مار سمی

امام علی (ع): مثل الدنيا كمثل الحيه لين مسها و السم الناقع فی جوفها.
مثل دنیا، مثل مار است پوستش نرم است اما سمی کشنده در درون دارد. (نهج البلاغه، حکمت ۱۱۵).

هی دنیا کحیه تنفت السم و ان حیه بلمسها لانت

(ابوالعاهیه، ۷۷)

دست زدن به دنیا همانند لمس مار سمی است هرچند مسموم شدگان به وسیله دنیا بر اثر تخدیر احساس درد نمی‌کنند لیکن وقتی پرده برداشته شد می‌بینند که از پیش مسموم شده بودند و از مسمومیت خود غافل بودند. (رحیمیان محقق، ۱۳۸۹، ص ۱۶۰)

دنیا مانند گیاه خشک شده

ابوالعاهیه بیان می‌کند که دنیا مانند گیاه خشکی است که هیچ ارزشی ندارد و همه آنچه در دنیا است موجب فریب انسان می‌شود. و زرق و برق دنیا بی ارزش است.

الم تر انما الدنيا حطام و ان جميع ما فيها غرور

(ابوالعاهیه، ۱۴۵)

ما زخرف الدنيا و زبرج اهلها الا غرور كله و حطام

(ابوالعاهیه، ۲۲۹)

دنیا مانند سایه است

دنیا گذرگاه است و آنقدر به سرعت می‌گذرد که در آموزه‌های دینی به سایه تشبیه شده است.

امام علی (ع): دنیا سایه‌ای ناپایدار است. (آمدی، ۱۳۶۰، ج ۳۱۸)

امام باقر (ع): دنیا نزد دانشمندان مانند سایه است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۳، ص ۱۲۶)

ابوالعاهیه: دنیا مانند سایه‌ای ناپایدار است و خدا را در همه حال حمد و سپاس می‌گوییم.

انما الدنيا كظل زائل احمد الله، كذا قدرها

(ابوالعاهیه، ۱۶۲)

ما انت يا دنیا بدار اقامه مازلت يا دنیا كفى ضلال

(ابوالعاهیه، ۲۵۱)

احمد الله على كل حال انما الدنيا كفى الضلال

(ابوالعاهیه، ۲۷۴)

دنیا مانند سراب است

یکی از تمثیلات دنیا تمثیل به سراب است که انسان را فریب می‌دهد. بنابراین نباید زر و زیور دنیا انسان را فریب دهد و باید بداند که این‌ها زودگذر است و نباید فریب زرق و برق دنیا را خورد. و هر قدر انسان برای رسیدن به آن سراب تلاش کند، تلاش او به جایی نمی‌رسد و خسته‌تر می‌شود.

امام علی (ع): هر که در پی سراب بدود و خسته‌تر و تشنه‌تر می‌شود (اللیثی الواسطی، ۱۳۷۱، ص ۴۲۵).

ابوالعاهیه می‌گوید اگر با چشم بصیرت به دنیا نگاه کنی دنیا جز سراب چیزی نیست و نباید فریب آن را خوری.

لوتری الدنيا بعینی بصیر انما الدنيا تحاکی السرابا

(ابوالعاهیه، ۵۰)

دنیا بی‌ارزش‌تر از بال پشه

پیامبر (ص): اگر دنیا در نزد خداوند به اندازه بال پشه‌ای می‌ارزید، چیزی از آن را به کافر و منافق نمی‌داد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۲ ص ۵۲).

ابوالعاهیه می‌گوید: دنیا نزد خداوند به اندازه بال پشه یا مقداری که در دهان پرنده جای می‌گیرد ارزش ندارد.

و لاتعدل الدنيا جناح بعوضه لدی الله او مقدار نغبه طائر

(ابوالعاهیه، ۱۳۹)

دنیا مانند مردار است

پیامبر (ص): خداوند به داود (ع) وحی می‌فرمود که حکایت دنیا حکایت مرداری است که شماری سگ بر آن گرد آمده‌اند و این سو و آن سوی کشانند. آیا دوست داری که تو سگی چون آنان باشی و با آن‌ها کشاکش کنی؟ (الهنیدی، ۱۳۹۷، ج ۳، ص ۲۱۴)

ابوالعاهیه: دنیا را مانند مرداری می‌داند که انسان‌ها برای رسیدن به آن مسابقه می‌دهند و با یکدیگر به رقابت برمی‌خورند.

انما الدنيا، علی ما جبلت جیفه نحن علیها نضطرع

(ابوالعاهیه، ۱۹۹)

نتیجه

- * قرآن و احادیث در اشعار ابوالعاهیه فراوان مورد استشهاد قرار گرفته است.
- * ابوالعاهیه در معرفی دنیای مضموم، رساترین تعابیر را به کار برده است.

- * دنیا سرای ناپایدار، فانی، خیانت پیشه، و فریبنده و گذرا است.
- * دنیا بر یک حالت نیست و هر کسی در دنیا خوشی و سختی را تجربه خواهد کرد.
- * تمثیلاتی که درباره دنیا به کار رفته است بیانگر بی‌ارزش بودن دنیا نزد خداوند می‌باشد.
- * اگر با چشم حقیقت بین به دنیا نگاه شود، دنیا مورد مذمت نیست.
- * مشکلات و گرفتاری و سختی دنیا را از هر سو فرا گرفته است.
- * تقوی و نیکی و راستی سعادت را در دنیا و آخرت را برای انسان فراهم می‌کند.
- * دنیا عبورگاه و آخرت قرارگاه می‌باشد.
- * عدم دلبستگی به دنیا موجب می‌شود انسان به آخرت توجه بیشتری نماید و خود را برای آن دنیا آماده سازد.
- * علت این که دنیا مورد نکوهش واقع شده این است که انسان را زود فریب می‌دهد و او را از توجه به آخرت باز می‌دارد.

منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- آمدی، عبدالواحد، ۱۳۶۰، "غررالحکم و درر الکلم"، تحقیق، میرجلال الدین محدث ارموی، دانشگاه تهران، تهران.
- ابوالعناهیة، اسماعیل بن القاسم، ۱۴۱۷، "دیوان"، شرحه الدكتور عمر فاروق، شرکه دار الارقم، بیروت.
- اصفهان‌ی، ابوالفرج، ۱۴۲۳، الاغانی، دارالصادر، بیروت.
- امیری، جهانگیر، ۱۳۸۵، "تجلی مضامین قرآن کریم در شعر ابوالعناهیة"، پژوهش دینی، شماره ۱۳، دانشگاه آزاد اسلامی، واحدتهران مرکزی.
- جلالی، عبدالحسین، ۱۳۸۲، "ماهیت دنیا"، امیر کبیر، تهران.
- حرانی، الحسن بن حلی (ابن شعبه)، ۱۴۰۴، "تحف العقول"، نشر اسلامی، قم.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۲، "تفسیر موضوعی قرآن"، اسراء، قم.
- دیلمی همدانی، شیرویه بن شهردار، ۱۴۰۶، "الفردوس بمأثور الخطاب"، تحقیق، محمدالسعيد بسیونی، دارالکتب العلمیه، بیروت.
- رحیمیان محقق، ۱۳۸۹، "دنیا شناسی و دنیا گرایی در نهج البلاغه"، اسراء، قم.
- رنجبر، احمد، ۱۳۷۹، "جاذبه‌های فکری فردوسی"، امیر کبیر، تهران.
- الفاخوری، حنا، "تاریخ ادبیات زبان عربی، مترجم"، عبدالمحمد آیتی، توس، تهران.
- الطبرسی، علی بن الحسن، ۱۴۱۸، "مشکاه الانوار"، مهدی هوشمند، دار الحدیث، قم.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۱، "الکافی"، تحقیق، علی اکبر غفاری، دارصعب و دارالتعارف، بیروت.

اللیثی الواسطی، علی بن محمد، "عیون الحکم و المواعظ"، تحقیق، حسن الحسنی، البیرجندی، دارالحدیق، قم.
 المازندرانی، محمدبن علی، "مناقب آل ابی طالب"، المطبعه العلیه، قم.
 مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳، "بحارالانوار"، موسسه الوفاء، بیروت.
 محمد علیان، احمد، "ابوالعاهیه حیاته و اغراضه الشعریه"، دارالکتب العلمیه، بیروت.
 مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۸۰، "پند جاوید"، موسسه علمی و پژوهشی امام خمینی، قم.
 مطهری، مرتضی، ۱۳۸۰، "سیری در نهج البلاغه"، صدرا، تهران.
 موسوی خمینی، ۱۳۸۰، "شرح چهل حدیث"، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران.
 الهندی، علی الممتقی بن حسام الدین، ۱۳۹۷، "کنز العمال فی سنن الاقوال"، صفوه السقا، بیروت.